

رشد نقدینگی که طی سال‌های اخیر رشد شتابانی به خود گرفته است عملا به یکی از عوامل خود تحریمی تبدیل شده است زیرا تاثیر ویرانگر شوک‌های تورمی ناشی از رشد نقدینگی آهنگ رشد و رونق اقتصادی کشور را با کندی مواجه کرده است.

به گزارش فارس، اقتصاد ایران در طول پنج دهه گذشته به طور متوسط فقط ۵ سال تورم زیر ۱۰ درصد را تجربه کرده است و در این میان هرگاه مخارج کشور بیش از خلق ثروت بوده است، شاهد تشدید تورم بودهایم.

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی آنچه که بیش

از همه طی سال‌های اخیر موجب رشد ویرانگر نقدینگی در اقتصاد ایران شده تصمیم فشار کسری بودجه آشکار و پنهان کاهش درآمدهای بانکی و در پی آن رشد پایه پولی است رویکردی که عملا تحمیل نوعی مالیات پنهان به مردم است.

به این ترتیب هرگاه دولت درآمد و مخارج خود را به‌جای تراز ازطریق درآمدهای مالیاتی از طریق فروش نفت بانکی تراز کرده است، خروجی اجتناب‌ناپذیر این فرآیند رشد نقدینگی و افزایش پایه پولی بوده است که عملا به سلطه مالی دولت بر سیاستگذاران پولی منجر شده است.

**سلطه مالی دولت‌ها بر نظام بانکی**

سلطه مالی دولت‌ها عملا به دو شکل عمومی استقرار از بانک مرکزی با خرید اوراق قرضه دولت از سوی بانک مرکزی انجام می‌شود هر چند در ایران شیوه سومی هم وجود دارد و آن تبدیل ارز حاصل از فروش منابع نفت و گاز از سوی بانک مرکزی و تحویل ریال آن به دولت است وجوهی که بانک مرکزی با افزایش خالص دارایی خارجی خود ترازنامه‌اش را اصلاح می‌کند.

از مصادیق این اقدامات فرابودجه‌ای می‌توان به تامین مالی شرکت بازرگانی دولتی برای خرید کالاهای اساسی از طریق دریافت تسهیلات از نظام بانکی یا فشار بر سیستم بانکی برای اعطای تسهیلات ارزان قیمت برای ساخت مسکن روستایی اشاره کرده، تسهیلاتی که بعضا تسویه هم نمی‌شود و به مطالبات بانک مرکزی افزوده می‌شود و البته نوع دیگری ازاین اقدامات فرابودجه‌ای فشار بر منابع صندوق توسعه ملی برای دریافت تسهیلات ارزی است که مسئولان این صندوق را نیز اخیرا به واکنش واداشته است.

در کنار شرکت‌های دولتی، نظام بانکی نیز به واسطه قوانین سنواتی با پرداخت تسهیلات برای خرید کالاهای اساسی با تامین مالی طرح‌های عمرانی/ تامین مالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی و به تامین منابع پرداخت خسارات حوادث غیرمترقبه به این فعالیت‌های فرابودجه‌ای دامن می‌زند.

تکرار مداوم این فرآیند معیوب عملا به انباشت بدهی دولت در شبکه بانکی منجر می‌شود و شبکه بانکی هم به ناپار بازی تراز کردن منابع و مصرف خود به دنبال تامین خط اعتباری یا اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است، رویکردی که در نهایت به رشد خالص دارایی‌های داخلی بانک مرکزی و در نهایت به اضافه برداشت از منابع بانکی منجر

می‌شود که این بدهی یا باید نهارت شود یا به رقم بدهی دولت نزد بانک مرکزی افزوده شود و در انتها تاثیر اصلی آن متوجه تغییر پایه پولی خواهد شد.

**بدهی در بازپرداخت تسهیلات**

عدم تعهد دستگاه‌های اجرایی به بازپرداخت تسهیلات دریافتی از نظام بانکی موجب شده تا تقاضا برای دریافت این تسهیلات و سپردن ضمانتنامه دولتی در قبال این تسهیلات از سوی دستگاه‌های دولتی افزایش یابد تضامینی که عملا وصول نمی‌شوند و به بدهی دولت به بانک مرکزی افزوده می‌شود.

این رفتار دولت‌ها هیچ ارتباطی به بهبود درآمدهای ارزی و کسری بودجه ندارد زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها حتی در زمان وضعیت مناسب درآمدهای ارزی هم نسبت به دریافت تسهیلات از سیستم بانکی اقدام کرده‌اند. براساس ساختار نظام اقتصادی کشور تولی‌گری سیاستهای پولی با بانک مرکزی است و متولی سیاست‌های مالی برعهده سازمان برنامه و بودجه است و این دوساختار حاکمیتی در قالب بودجه

سیاستگذار پولی می‌تواند در افق پیش رو و با توجه به شرایط نسبت به تعدیل نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی اقدام کند.

**اصلاح ساختار بانکی**

براساس آخرین گزارش بانسک مرکزی از وضعیت متغیرهای پولی، حجم نقدینگی در اقتصاد ایران در پایان فروردین‌ماه ۱۴۰۱ به ۴ هزار و ۸۲۸ هزار میلیارد تومان رسیده است که نسبت به حجم پایان اسفندماه سال ۱۴۰۰ بیش از ۹ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است.

به عبارت دیگر رشد ماهانه نقدینگی برای اولین بار در سالان گذشته در نخستین ماه سال جاری منفی دو دهم درصد شد، این در حالی است که رشد ماهانه این شاخص در اسفندماه بالغ بر ۴ درصد بود.

هر چند کاهش حجم نقدینگی در یک ماه دلیل استمرار این روند نخواهد بود اما بسته به شرایط تسهیلات از سیستم بانکی اقدام کرده‌اند. براساس ساختار نظام اقتصادی کشور تولی‌گری سیاست‌های پولی با بانک مرکزی است و متولی سیاست‌های مالی برعهده سازمان برنامه و بودجه در این عرصه را پیش روی ما قرار داده است.

در این میان بانک مرکزی مجموعه برنامه‌ای

# برنامه دولت

# برای مهار تورم

با یکدیگر مرتبط می‌شوند، لذا یکی از راهکارهای مهم در تغییر این‌ روند معیوب نگاهای سیاسی‌های پولی و مالی است و باید سازوکار لازم برای تبدیل بدهی‌های دولت به بانک مرکزی به اوراق دارای قابلیت عرضه و البته با زمان بازپرداخت مشخص طراحی شود.

**فشار بر نظام بانکی**

از سوی دیگر یکی از مواردی که فشار بر نظام بانکی را در فرآیند اقدامات فرابودجه‌ای تشدید می‌کند ساز و کار قانو‌نگذاری در کشور است به گونه‌ای که بودجه‌های سالانه عملا به مسیری برای دست‌اندازی به منابع بانکی تبدیل شده است و یکی از اولویت‌های مهم در این زمینه حذف قوانین و مقررات دارای آثار با دوام است ضمن اینکه باید تدابیری اتخاذ شود تا بستر لازم برای الزام دولت‌ها برای تنظیم قوانین بودجه سالانه برمبانی برنامه‌های بلندمدت فراهم شود.

علاوه‌براین به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، تورم پدیدهای نوظهور است که باید با ابزارهای نوظهور با آن مقابله کرد و یکی از این ابزارها نرخ بهره است. در شرایط کنونی و درحالی که نرخ تورم در سال گذشته ۴۶ درصد بود ما همچنان شاهد نرخ بهره ۱۸ درصدی برای تسهیلات بانکی هستیم و این فرآیند موجب شده تا با پرداخت بهره کمی به سپرده‌گذاران بخش سیروی‌پذیر دریافت تسهیلات به دور باطلی برای تزریق تسهیلات بانکی،رشد نقدینگی و تورم تبدیل

شود؛ رویکردی که باید برای خاتمه بخشیدن به آن تصمیمی عاجل اتخاذ شود.

نکته مهمی که معاون اقتصادی بانک مرکزی هم بر آن تاکید دارد و می‌گوید: نرخ سود سپرده‌ها در کشور از تیرماه ۱۳۹۵ به دلیل وجود عوامل و ملاحظات مختلف تغییری نکرده است، اما

نقدینگی خود در ماه‌های ابتدایی سال را با استفاده از وجوه رسوب کرده در حساب شرکت‌های دولتی نزد بانک مرکزی تامین اعتبار کرد.

به گفته مسئولان بانک مرکزی عدم برداشت دولت از منابع این بانک در قالب نتخواه و البته کنترل اضافه برداشت نظام بانکی از طریق الزام بانک‌ها به سپرده وثیقه نزد بانک مرکزی دو اقدام مهم بانک مرکزی در کنترل نقدینگی است.

براساس این سیاست که برای اولین بار در چند دهه اخیر اتخاذ شده، دولت به جای استفاده از نتخواه بودجه از رسوب سپرده حساب شرکت‌های دولتی نزد بانک مرکزی استفاده می‌کند و در صورت نیاز از نتخواه استفاده خواهد کرد که تاکنون این نیاز احساس نشده است.

**کنترل اضافه برداشت بانک‌ها**

گام بعدی بانک مرکزی در اجرای شدن این طرح اصلاحی، کنترل اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی بود که براساس آمارهای موجود اضافه برداشت بانک‌ها درسال جاری در مقایسه با سال گذشته تاکنون به نصف کاهش یافته است؛

دولت، ارزی‌های نفتی حاصل از دولت را در سنوات متعددی خریداری و ریسال را در اختیار دولت می‌گذاشت؛ در این سازو کار تنها بانک مرکزی این وظیفه را بر عهده داشت اما اکنون برنامه‌ای در نظر گرفته شده است تا بانک‌های دولتی هم علاوهبر بانک مرکزی بر بتوانند عامل فروش ارز دولت در بازار باشند.به عبارت دیگر بانک‌های دولتی هم عرضه‌کننده ارزی‌های دولت در بازار هستند تا از این طریق یکی از عوامل دخیل در پایه پولی اصلاح شود.

**تشکیل شورای ثبات مالی**

تشکیل شورای ثبات مالی با عضویت بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی از دیگر اقدامات دولت سیزدهم برای هماهنگی در تیم اقتصادی برای جلوگیری از بی‌ثبط پایه پولی است تا درآمد و هزینه دولت به گونه‌ای باشد که موجب خلق پول نشود.

یکی از اقدامات در این زمینه اصلاح روند انتشار اوراق است؛ به گونه‌ای که این ابزارهای

مولدسازی دارایی منجمد و فروش اموال مزاد و خروج بانک‌ها از بنگاهداری از دیگر محورهای مهم‌ترین محورهای اصلاح نظام بانکی است همچنین تقویت سهم دارایی‌های نقد شونده در ترازنامه بانک‌ها از دیگر محورهای این اصلاحات است و در این راستا باید دست کم ۳ درصد از دارایی بانک‌ها در قالب اوراق دولتی نقد شونده باشند این سیاست به این دلیل است که بانک‌ها بتوانند در مواقع نیاز، نقدینگی اوراق خود را نقد کرده و نیاز خود را تامین کنند.

**تعدیل بدهی دولت به بانک‌ها**

تلاش برای تعدیل بدهی دولت به بانک‌ها از دیگر محورهای اصلاح ساختار نظام بانکی است و برای این منظور راهکارهای مختلفی پیش‌بینی شده است- به گفته رئیس کل بانک مرکزی رئیس‌جمهور به بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی دستورات ویژه‌ای داده است.

اصلاح ساختار سرمایه و موضوع کفایت سرمایه بانک‌های مختلف از دیگر محورهای

صفحه ۸

**سه‌شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۱**

**۱۴ ذی‌القعده ۱۴۴۳ – شماره ۴۷-۲۳**

برخلاف آنچه در گزارش‌های اخیر رشد شتابانی به خود گرفته است عملا به یکی از عوامل خود تحریمی تبدیل شده است زیرا تاثیر ویرانگر شوک‌های تورمی ناشی از رشد نقدینگی آهنگ رشد و رونق اقتصادی کشور را با کندی مواجه کرده است.
به گزارش فارس، اقتصاد ایران در طول پنج دهه گذشته به طور متوسط فقط ۵ سال تورم زیر ۱۰ درصد را تجربه کرده است و در این میان هرگاه مخارج کشور بیش از خلق ثروت بوده است، شاهد تشدید تورم بودهایم.

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی آنچه که بیش از همه طی سال‌های اخیر موجب رشد ویرانگر نقدینگی در اقتصاد ایران شده تصمیم فشار کسری بودجه آشکار و پنهان کاهش درآمدهای بانکی و در پی آن رشد پایه پولی است رویکردی که عملا تحمیل نوعی مالیات پنهان به مردم است.

به این ترتیب هرگاه دولت درآمد و مخارج خود را به‌جای تراز ازطریق درآمدهای مالیاتی از طریق فروش نفت بانکی تراز کرده است، خروجی اجتناب‌ناپذیر این فرآیند رشد نقدینگی و افزایش پایه پولی بوده است که عملا به سلطه مالی دولت بر سیاستگذاران پولی منجر شده است.

سلطه مالی دولت‌ها عملا به دو شکل عمومی استقرار از بانک مرکزی با خرید اوراق قرضه دولت از سوی بانک مرکزی انجام می‌شود هر چند در ایران شیوه سومی هم وجود دارد و آن تبدیل ارز حاصل از فروش منابع نفت و گاز از سوی بانک مرکزی و تحویل ریال آن به دولت است وجوهی که بانک مرکزی با افزایش خالص دارایی خارجی خود ترازنامه‌اش را اصلاح می‌کند.

از مصادیق این اقدامات فرابودجه‌ای می‌توان به تامین مالی شرکت بازرگانی دولتی برای خرید کالاهای اساسی از طریق دریافت تسهیلات از نظام بانکی یا فشار بر سیستم بانکی برای اعطای تسهیلات ارزان قیمت برای ساخت مسکن روستایی اشاره کرده، تسهیلاتی که بعضا تسویه هم نمی‌شود و به مطالبات بانک مرکزی افزوده می‌شود و البته نوع دیگری ازاین اقدامات فرابودجه‌ای فشار بر منابع صندوق توسعه ملی برای دریافت تسهیلات ارزی است که مسئولان این صندوق را نیز اخیرا به واکنش واداشته است.

در کنار شرکت‌های دولتی، نظام بانکی نیز به واسطه قوانین سنواتی با پرداخت تسهیلات برای خرید کالاهای اساسی با تامین مالی طرح‌های عمرانی/ تامین مالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی و به تامین منابع پرداخت خسارات حوادث غیرمترقبه به این فعالیت‌های فرابودجه‌ای دامن می‌زند.

تکرار مداوم این فرآیند معیوب عملا به انباشت بدهی دولت در شبکه بانکی منجر می‌شود و شبکه بانکی هم به ناپار بازی تراز کردن منابع و مصرف خود به دنبال تامین خط اعتباری یا اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است، رویکردی که در نهایت به رشد خالص دارایی‌های داخلی بانک مرکزی و در نهایت به اضافه برداشت از منابع بانکی منجر

می‌شود که این بدهی یا باید نهارت شود یا به رقم بدهی دولت نزد بانک مرکزی افزوده شود و در انتها تاثیر اصلی آن متوجه تغییر پایه پولی خواهد شد.

سیاستگذار پولی می‌تواند در افق پیش رو و با توجه به شرایط نسبت به تعدیل نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی اقدام کند.
به گفته مسئولان بانک مرکزی عدم برداشت دولت از منابع این بانک در قالب نتخواه و البته کنترل اضافه برداشت نظام بانکی از طریق الزام بانک‌ها به سپرده وثیقه نزد بانک مرکزی دو اقدام مهم بانک مرکزی در کنترل نقدینگی است.

براساس این سیاست که برای اولین بار در چند دهه اخیر اتخاذ شده، دولت به جای استفاده از نتخواه بودجه از رسوب سپرده حساب شرکت‌های دولتی نزد بانک مرکزی استفاده می‌کند و در صورت نیاز از نتخواه استفاده خواهد کرد که تاکنون این نیاز احساس نشده است.

گام بعدی بانک مرکزی در اجرای شدن این طرح اصلاحی، کنترل اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی بود که براساس آمارهای موجود اضافه برداشت بانک‌ها درسال جاری در مقایسه با سال گذشته تاکنون به نصف کاهش یافته است؛

مالی در یک بازار مالی معامله شود و تقاضا برای این اوراق شکل بگیرد و به این ترتیب از طریق قبایل بانک‌های دولتی نزد بانک مرکزی انجام شود؛ همچنین در همین راستا به گفته رئیس کل بانک مرکزی همچون انتشار اوراق گواهی سپرده مدت دار ۹۵ هزار میلیارد تومان در پایان سال گذشته به ۷۵ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است.

**اصلاح ترازنامه بانک‌ها**

بخش دیگری از اصلاح ساختار نظام بانکی، اصلاح ترازنامه بانک‌ها و اصلاح ساختار دارایی بانک‌ها است؛براین اساس معوقات سیستم بانکی باید کاهش یابد. در این زمینه نیاز به ممارست و فعالیت بانک‌ها و نیز مشارکت بانک مرکزی است چراکه بانک مرکزی در این زمینه می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

براین اساس مقرر شده تا اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و دریافت خطوط اعتباری در قالب بانکی گذاری نزد بانک مرکزی انجام شود؛ همچنین در همین راستا به گفته رئیس کل بانک مرکزی همچون انتشار اوراق گواهی سپرده مدت دار ویژه سرمایه‌گذاری (عام) به بانک‌ها داده شده است و نیازی به مجوز مودی از بانک مرکزی نیست.

همچنین بانک به منظور رصد به هنگام وضعیت نقدینگی و تورم جلسات کمیته‌های کنترل نقدینگی، کنترل پایه پولی و اصلاح نظام بانکی به صورت منظم در بانک مرکزی درحال برگزاری است و موضوعات مورد نظر با هدایت این کمیته‌ها پیش می‌رود.

**نقش بانک‌ها در فروش ارز دولتی**

از سوی دیگر بانک مرکزی به عنوان بانکدار

می‌کرد بر اساس این اسناد، نفت خام سنگین ایران که از نظر کیفیت مشابه نفت خام مسما ۳۰ ونزوتلا است، قرار است برای تغذیه پالایشگاه‌های PDVSA استفاده شود. صادرات نفت ایران به ونزوتلا در حالی ادامه دارد، که این کشور با استفاده از میعانات گازی ایران، تولید نفت خود را افزایش داده است.

**کمک ایران به ونزوتلا**

**برای بر گردن نفت روسیه در بازار اروپا**

اشاره شد که نبود میعانات گازی و رقیق کننده باعث شده تا بسیاری از جاهای نفتی ونزوتلا غیرفعال شوند و گذشته نسبت به سه ماهه نخست ۲۰۲۲ افزایش داشته است.
تولید نفت ونزوتلا نسبت به قیسل از قرارداد با ایران حداقل ۱۶۷ هزار بشکه افزایش داشته است.
به طور کلی سه فرویه در توجهی آرایش جدید ایران، روسیه و ونزوتلا در بازار نفت وجود دارد.
فرویه اول را فریدون برکشلی مدیر گروه دفتر مطالعات انرژی ویسن این‌گونه مطرح می‌کند: تحلیل مربوط به جایگزینی نفت روسیه با سایر کشورها مربوط شرایط اشباع بازار است. وقتی که عرضه در بازار بیش از تقاضا است، جنگ سهمیه‌ها بین عرضه‌کنندگان بدیهی است.

وی می‌گوید: اما در حال حاضر تولیدکنندگان قادر به عرضه سهمیه تخصیصی خود به بازار نیستند، یعنی تمام تولیدکنندگان اوپک، اوپک پلاس و غیراوپک همه تولید می‌کنند ولی باز هم تقاضا بیشتر از عرضه است، بنابراین تولیدکننده‌ای جای فروشنده دیگری را در بازار نمی‌گیرد بلکه بازارهای مقصد جابه‌جا می‌شوند.
شرایط بازار جهانی مانند استخری است که از هر کجای آن آب در اروپا را آغاز کنند.

وزارت خارجه آمریکا در نامه‌ای به این دو شرکت قراردادی نفتی ایران و ونزوتلا تنها به صادرات میعانات گازی محدود نشد و جندی پیش روترنز با استفاده به مدارک شرکت دولتی نفت ونزوتلا نوشت، کاراکس واردات نفت سنگین ایران برای تامین نیاز پالایشگاه‌های داخلی را شروع کرده است. این قرارداد، قراردادی نفتی که سال گذشته میان ایران و ونزوتلا برای معادله پایایی نفت امضا شد را گسترش می‌دهد.

در مجموع بررسی همکاری نفتی سه کشور ایران، روسیه و ونزوتلا در چند جمله خلاصه می‌شود: بخشی از نفت ایران با نفتکش روسی به مقاصد صادراتی منتقل می‌شود.

تا اینجا مشخص شد که بخشی از نفت ایران با نفتکش‌های روسیه و بخشی از نفت روسیه نیز با نفتکش‌های ایران و ونزوتلا به مقاصد صادراتی منتقل می‌شود.

**صادرات ۱۴ میلیون بشکه میعانات گازی ایران به ونزوتلا**

طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا در ماه گذشته تولید روسیه حدود یک میلیون بشکه در روز کاهش داشته اما صادرات نفت این کشور ۵۰۰ هزار بشکه افزایش داشته است.
آمار petro-logestics هم عنوان کرده که صادرات نفت روسیه به چین از ۹۰۰ هزار بشکه به ۱٫۴ میلیون بشکه در روز رسیده است.

آموس هاجستاین، فرستاده آمریکا در امور امنیت انرژی در جلسه استماع کنگره به قانونگذاران آمریکایی گفت: روسیه احتمالا اکنون درآمد بیشتری از سوخت‌های فسیلی خود نسبت به قیل از حمله به اوکراین دارد، زیرا افزایش قیمت‌های انرژی در بازارهای جهانی تأثیر تلاش‌های غرب برای محدود کردن فروش نفت این کشور را جبران می‌کند.
صادرات نفت روسیه به چین از طریق دو خط لوله جمع ظرفیت این دو خط لوله روزانه ۹۰۰ هزار بشکه است. در نتیجه روسیه برای افزایش صادرات به چین به ناوگان نفتکش‌های خود نیاز دارد.
لوله زمینی) نیاز دارد.

تا آنکه نماند که بنابر گزارش بلومبرگ، صادرات نفت روسیه به مقصد چین، صرف بر کردن مخازن استراتژیک این کشور می‌شود. اشاره شد، که نفت روسیه برای افزایش صادرات به چین نیازمند صادرات از مسیر دریایی و با نفتکش است. طبق گزارش موسسه ردیفلی نفتکش‌ها تاکر ترکز، روسیه از ناوگان ایران و ونزوتلا برای افزایش صادرات نفت خود به شرق آسیا استفاده می‌کند.

بشکه‌ای میعانات گازی ایران به پایگاه حوزه، یکی از بنادر اصلی نفت ونزوتلا واقع در شمال شرق رسیده است.

این موسسه در ادامه توضیح می‌دهد: این محموله‌های میعانات گازی ایران در ماه‌های سپتامبر، اکتبر، نوامبر، ژانویه، فوریه، مارس و آوریل وارد ونزوتلا شدند و علاوه بر کل بحران ونزوتلا، به ایران نیز کمک شد تا بخشی از ذخایر میعانات گازی خود را پاکسازی کند.
قرارداد نفتی ایران و ونزوتلا تنها به صادرات میعانات گازی محدود نشد و جندی پیش روترنز با استفاده به مدارک شرکت دولتی نفت ونزوتلا نوشت، کاراکس واردات نفت سنگین ایران برای تامین نیاز پالایشگاه‌های داخلی را شروع کرده است. این قرارداد، قراردادی نفتی که سال گذشته میان ایران و ونزوتلا برای معادله پایایی نفت امضا شد را گسترش می‌دهد.

در مجموع بررسی همکاری نفتی سه کشور ایران، روسیه و ونزوتلا در چند جمله خلاصه می‌شود: بخشی از نفت ایران با نفتکش روسی به مقاصد صادراتی منتقل می‌شود.

سه کشور ایران، روسیه و ونزوتلا با توجه به تفاوت نوع و میزان محدودیت‌های تحریمی، در کنار رقابت، همکاری‌های استراتژیکی را برای حفظ سهم خود از بازار نفت تعریف کرده‌اند.

به گزارش فارس، در ماه‌های گذشته و بعد از اعمال تحریم‌های نفتی غرب علیه روسیه تحلیل‌های متفاوتی درباره آرایش جدید کشورهای صادرکننده نفت در بازار جهانی نفت مطرح شد.

در این فضا، دو ادعای کلی ناظر به جایگزینی نفت روسیه و ونزوتلا با نفت ایران در بازار چین مطرح شد که البته با انتشار آمار اوپک در ماه آوریل این ادعا رد شد.
طبق آمار اوپک، تولید نفت ایران در ماه آوریل نسبت به سه ماهه نخست سال ۲۰۲۲ به میزان ۳۶ هزار بشکه افزایش یافته است. با توجه به ثابت بودن ظرفیت پالایشی کشور، این موضوع به معنای افزایش صادرات نفت ایران به میزان ۳۶ هزار بشکه در روز است.

پس در جریان تحولات جدید بازار نفت نه تنها نفت کشور دیگری جایگزین نفت ایران نشده است بلکه وزارت نفت توانسته با بازسازی برای نفت ایران میزان صادرات نفت را افزایش دهد.

اتفاق بررسی تحولات بازار نفت برعکس ادعای مطرح شده، نشان می‌دهد که سه کشور تحریم‌شده ایران، روسیه و ونزوتلا در مواجهه با تحریم‌ها، نه تنها رقابتی جدی ندارند، بلکه در حال ساماندهی و اجرای همکاری‌های استراتژیکی

برای حفظ جایگاه خود در بازار نفت هستند.
در ادامه به مواردی از همکاری‌های سه کشور با استناد به گزارش موسسات خارجی اشاره می‌شود.
**ماجرای صادرات نفت ایران با نفتکش روسی لاا**
در روزهای گذشته خبر تلف موزج مصادره نفت ایران توسط آمریکا در دادگاه بدون حاشیه منجر از این قرار است که یونان ۲۶ فروردین ماه سال جاری یک نفتکش روسی (پکاسی که بعدها به لاا تغییر نام داد) حامل نفت ایران را در آب‌های ساحلی خود توقیف کرد. براساس آخرین گزارش‌ها محموله نفتی این کشتی را برای انتقال به آمریکا به یک نفتکش آمریکایی تحویل داد.

اما پس از توقیف دو نفتکش یونانی توسط نیروهای مسلح ایران، دادگاه یونان حکم پیشین مبنی بر صدور مجوز برای آمریکا به منظور معموله نفت ایران را که در امتداد سواحل یونان توقیف شده بود، لغو کرد.

تنکه مغفل در این ماجرا صادرات نفت ایران با نفتکش روسی لااا بود. این موضوع نشان می‌دهد که در شرایط تحریم دو کشور، ایران برای صادرات نفت خود از ظرفیت

## پاس گل مجلس به دولت برای رشد ۸ درصدی اقتصاد

نمای کلی اقتصاد کشور نشان می‌دهد که برای قدم گذاشتن در عرصه‌های کارآفرینی و فعالیت‌های مولد می‌بایست راهی پر از چالش را پشت سر گذاری. از تورم لحام گسخته‌ای که در ۴۰ درصد جایی برای خود خوش کرده است تا نجوم تسهیلات‌دهی بانک‌ها که هر روز با تنیغی از مقررات و بخشنامه‌ها، زخمی بر انگیزه کارآفرینان وارد می‌کنند. حال این ره زر از چاله چوله مانعی معیب‌المعوبر به نام صدور مجوز کسب و کار کم دارد. شاید اگر تورم و بی‌ثباتی شاخص‌های اقتصاد کلان را به عوامل خارجی و فرامرزنی بتوان نسبت داد قطعا این موضوع را نمی‌توان گردن دیگری‌لناذخت. امروزه بسیاری از کارآفرینان و صاحبان کسب و کار تنها خواهشی که از دولت و سایر قوا دارند تسهیل این بیج و خیم‌های اداری است. به عبارتی دیگر صاحبان کسب و کار رنجی از این بی‌ثباتی اقتصادی نمی‌برند یا اگر هم گلاغله‌ای دارند در عمق ذهنی خود از آن محافظت می‌کنند اما این رایش مداوم مقررات و بخشنامه‌ها امان آنها را بریده است. بنابر اعلام مراکز رسمی آمار جایگاه ما در آخرین رتبه‌بندی صدور مجوزهای کسب و کار در دنیا در میان ۱۹۰ کشور، ۱۲۷ بوده و از این آمار تنها نتیجه‌ای که به دست می‌آید، نزدیک‌تر شدن اقتصاد به مشکلات بیشتر است زیرا فعالیت‌های مولد و کارآفرینانه از بر ریسک‌ترین مشاغل به‌حساب می‌آید و از طرفی دیگر اقدامات سودگرایانه و نامولد شیرینی بی‌درسی را برای صاحبان سرمایه ایجاد می‌کند. در سال‌های گذشته هم شاهد خروج سرمایه از کشور بودیم و این سرمایه‌ها بر اساس آمار موجود رقمی در حدود ۱۷۱ میلیارد دلار تنها در ۱۶ سال است که می‌توان فاجعه‌آمیزترین اتفاق ممکن برای اقتصاد یک کشور دانست. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره اخیر با آگاهی و اشراق کامل بر این موضوع در عمر دوساله خود توانستند اقدامات مناسبی را در این زمینه انجام دهند و این پیگیری‌ها در آخر منجر به این شد

که در اسفند ۱۴۰۰ طرح تسهیل صدور مجوز کسب و کار به تصویب رسد و شورای نگهبان قانون اساسی هم آن را تأیید کند. قانن تسهیل صدور مجوز کسب و کار در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ هم با نامه‌ای از طرف محمدباقر قالیباف ریاست مجلس به رئیس‌جمهور ابلاغ شد. در این طرح تمامی فعالیت کسب و کارها طبقه‌بندی شدند. برخی از کسب و کارها که به آنها ثبت محوری می‌گویند به مجوز نیاز نداشته و تنها آغاز فعالیت خودشان را به دستگاه‌های مربوطه اعلام می‌کنند و نظارت‌های پسینی بر آنها اعمال می‌شود. برخی از فعالیت‌های با تشخیص مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار نیاز به دریافت مجوز دارند که مسیر خود را طی خواهند کرد. دولت سیزدهم رشد ۸ درصدی را برای اقتصاد کشور پیش‌بینی کرده که عملا رقم بزگی به نسبت سال‌های گذشته است و اگر این اتفاق رخ دهد اقتصاد کشور پس از طی دوره‌ای با رشد اقتصادی صفر یا منفی وارد روزهای رونق خواهد شد. یکی از راه‌های تحقق رشد اقتصادی بدون شک رشد و توسعه کسب و کارها است و اگر دولت بنا دارد که به این ۸ درصد دست پیدا کند باید به خوبی از این پاس گل مجلس استقبال کند. بانوجه به گلاغه همیشگی کارآفرینان مخصوص بیج و خیم‌های اداری و مقررات دولتی از این به بعد شاهد حضور پررنگ صاحبان سرمایه، کارآفرینان ونوکارآفرینان در عرصه کسب و کارها هستیم و دولت از این به بعد باید فکری برای شاخص‌های کلان اقتصادی کند تا این مسیر صحیح اقتصادی را هم‌رازه از دیروز سازد.

فرضیه دوم بدین صورت تعریف می‌شود سه کشور ایران، روسیه و ونزوتلا با توجه به تفاوت نوع و میزان محدودیت‌های تحریمی، همکاری‌های استراتژیکی را برای حفظ سهم خود از بازار نفت ایجاد کرده‌اند. در این گزارش به تفصیل به همکاری‌های نفتی سه‌کشور در دوران تحریم اشاره شد. فرضیه سوم نیز ادغامی از فرضیه‌های اول و دوم است. بدین ترتیب سه کشور در بازار نفت علاوه بر همکاری‌های استراتژیک در مواردی رقابت نیز داشته‌اند که البته به نظر می‌رسد در نهایت نتیجه مطلوب سه کشور تا حدی حاصل شده است.

محمد مهدی آقامیری